

درآمدی بر سنخ‌شناسی هیأت‌های عزاداری در ایران

علی بهرامپور و حسن محدّتی گیلوایی^۱

چکیده

در این مقاله، با استفاده از محدود مطالعاتی که انجام گشته است، چهار معیار را برای دسته‌بندی هیأت‌های دینی مورد بحث قرار می‌دهیم. هیأت‌های عزاداری از نظر تعداد بسیار زیاد و از نظر نوع بسیار متنوع‌اند. تنوع بیش از اندازه هیأت‌های دینی ما را وامی‌دارد که به‌منظور دسته‌بندی آن‌ها چندین معیار را با هم لحاظ نماییم. براساس مطالعات محدودی که در این باره انجام شده است، از میان ویژگی‌های بسیار متنوعی که این هیأت‌ها واجدند، چهار معیار زیر بنیادی‌تر به نظر می‌رسد: (۱) میزان سازمان‌یافتگی، (۲) نوع اجرای عزاداری در فضا، (۳) دوام زمانی / تنوع کارکردی، (۴) شمول جمعیتی. این چهار معیار بر جنبه‌های اساسی هیأت‌های دینی دلالت دارند. از تلفیق این چهار معیار جدولی حاصل می‌شود که به لحاظ نظری شامل ۲۴ نوع هیأت دینی می‌گردد. اما برخی از این انواع نظری هیأت‌های دینی در واقع وجود خارجی ندارند. چون معمولاً هیأت‌های واجد معیار دوام زمانی / تنوع کارکردی، سلسه مراتب مشخصی دارند ترکیب‌های ساده و پایدار وجود خارجی ندارد. بدین ترتیب چهار نوع هیأت از این مجموعه خارج می‌شود. همچنین هیأت‌های فاقد دوام زمانی / تنوع کارکردی معمولاً از نظر سازمانی پیچیده نیستند و بیشتر خودجوش‌اند، لاجرم ترکیب‌های خاص و پیچیده نیز باید از این جدول حذف گردد. بدین ترتیب هشت نوع هیأت دینی دیگر حذف می‌شود. از سوی دیگر، هیأت‌هایی که از نظر دوام زمانی / تنوع کارکردی، پایدار هستند غالباً سازمان پیچیده‌ای نیز می‌یابند. بدین ترتیب، احتمال کمی دارد ترکیب‌های نسبتاً سازمان یافته و پایدار نیز یافت شود. بدین ترتیب، می‌توان چهار نوع دیگر را نیز کنار گذاشت. از دوازده نوع باقی‌مانده به نظر می‌رسد بیشترین تعداد هیأت‌های دینی را در جامعه‌ی ما هیأت‌های ساده، موقت، عام، و باز تشکیل می‌دهند و نوع نسبتاً سازمان یافته، موقت، و باز احتمالاً در رده‌ی بعدی قرار می‌گیرد. لازم به یادآوری است که سنخ‌شناسی‌ای که در این مقاله عرضه می‌شود، محتاج بررسی و تدقیق بیشتر است و صرفاً جنبه‌ای پیشنهادی دارد و امیدواریم در پژوهش‌های آتی این موضوع دنبال گردد.

کلیدواژه: میزان سازمان‌یافتگی، نوع اجرای عزاداری، دوام زمانی، تنوع کارکردی، شمول جمعیتی

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

در این مقاله صرفاً رئوس یک طرح کلی برای سنخ‌شناسی هیأت‌های عزاداری مبتنی بر پژوهشی در دهه‌ی ۱۳۸۰ (بهرامپور و محدثی، ۱۳۸۲) مورد بحث قرار می‌گیرد. تا پیش از این تحقیق (پژوهشی که متأسفانه هنوز امکان انتشار نیافته است) و حتّاً پس از آن در ایران، بحث جامعه‌شناختی معتبری ناظر به سنخ‌شناسی هیأت‌های عزاداری دیده نشده است و معدود آثاری که به این موضوع پرداخته‌اند، محتوای عزاداری در هیأت‌ها را ملاک بحث خود قرار داده‌اند و یا از الگوهایی برای سنخ‌شناسی هیأت‌های عزاداری سخن گفته‌اند و عملاً سنخ‌شناسی واحد و یک‌پارچه‌ای برای تمامی هیأت‌های عزاداری -فارغ از محتوای عزاداری- عرضه نکرده‌اند (ر.ک حسام مظاهری، ۱۳۸۷: ۳۰۷).

معیارهای سنخ‌شناسی هیأت‌های عزاداری

هیأت‌های عزاداری از نظر تعداد بسیار زیاد و از نظر نوع بسیار متنوع‌اند. کیکاوسی در مورد هیأت‌های موجود در تهران می‌گوید: «در حال حاضر براساس آمار سازمان تبلیغات اسلامی تهران، ۷۰۰۰ هیأت در استان تهران مشغول فعالیت می‌باشند که ۲۰۱۴ هیأت در جنوب شرق تهران، ۵۴۴ هیأت در شمال شرق، ۷۰۴ در شمال غرب، ۱۰۵ در شمیران و بقیه در مناطق اطراف شهر تهران (قرچک، کرج، ورامین، شهرری، اسلامشهر، و ساوجبلاغ) مشغول فعالیت می‌باشند» (کیکاوسی ۷۵-۱۳۷۴: ۵۷-۱۵۶). منصورلک‌ورج نیز تعداد هیأت‌های دینی را بسیار بیشتر از این می‌داند. وی نوشته است: «حدود ۱۲ تا ۱۵ هزار هیأت در تهران فعال است که سه هزار هیأت آن از طریق سازمان [تبلیغات] ثبت نشده است» (منصورلک‌ورج ۸۲-۱۳۸۱: ۱۶۱). تنوع بیش از اندازه هیأت‌های دینی ما را وامی‌دارد که به‌منظور دسته‌بندی آن‌ها چندین معیار را با هم لحاظ نماییم. براساس مطالعات محدودی که در این باره انجام شده است، از میان ویژگی‌های بسیار متنوعی که این هیأت‌ها واجدند چهار معیار زیر بنیادی‌تر به نظر می‌رسد:

- (۱) میزان سازمان‌یافتگی،
- (۲) نوع اجرای عزاداری در فضا،
- (۳) دوام زمانی / تنوع کارکردی،
- (۴) شمول جمعیتی.

این چهار معیار بر جنبه‌های اساسی هیأت‌های دینی دلالت دارند. از نظر محتوایی نیز معیارهای بسیار گوناگون و متنوعی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد نظیر نوع جهت‌گیری سیاسی، محتوای نمادین اسطوره‌ای و غیراسطوره‌ای، و غیره. لحاظ کردن این معیارها برای

سنخ‌شناسی عام هیأت‌های دینی چندان موجه به‌نظر نمی‌رسد، زیرا این‌ها ویژگی‌هایی فراگیر نیستند. بنابراین، لزومی ندارد در سنخ‌شناسی اصلی مورد توجه قرار گیرد. البته بسته به مورد می‌توان این ویژگی‌ها را نیز مورد توجه و بحث قرار داد.

اما معیار نخست شکل سازمانی هیأت‌ها است. از این نظر، هیأت‌ها را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد: هیأت‌هایی که از نظر سازمانی اعضای مشخص، سلسله مراتب، و نقش‌های تعریف شده‌ای دارند. این دسته از هیأت‌ها حدی از بوروکراسی را می‌پذیرند و گاه از این نظر بسیار پیچیده و منظم عمل می‌کنند. نمونه‌ی این دسته از هیأت‌ها، هیأت بنی‌فاطمه در بازار تهران است که منصورلکوریج آن را مورد مطالعه قرار داده است. این هیأت به‌عنوان مثال، کتابخانه‌ای ۳۰۰ عضوی دارد و از ۸ صبح تا ساعت ۷ عصر خدمات می‌دهد. کتابخانه‌ی هیأت، رئیس و کارمندی دارد. این هیأت همچنین یک صندوق قرض‌الحسنه دارد و در مشهد نیز “حسینیه بنی‌فاطمه” را ساخته است که حدود ۲۵۰ نفر از اعضای هیأت را به اتفاق خانواده‌های‌شان به مدت هشت روز از ماه صفر هر سال به مشهد می‌برد و کلیه امکانات رفاهی را در اختیار آنان می‌گذارد. به علاوه، هیأت بنی‌فاطمه از نظر اقتصادی نیز فعال است، مثلاً ده باب مغازه ساخته و اجاره داده است (منصور لکوریج ۱۳۸۱-۸۲: ۱۰۸-۱۰۹). به‌دلیل برخورداری از سازمان و نظام سلسله‌مراتبی، طبیعی است که آن‌ها از نظر سازمانی بسته‌تر عمل کنند و ورود به هیأت و جابجایی سازمانی افراد در آن از نظم معینی پیروی می‌کند. هیأت‌های واجد سازمان و سلسله‌مراتب هم می‌توانند شامل هیأت‌های از نظر سیاسی وابسته و هم شامل هیأت‌های غیروابسته باشند. هیأت بنی‌فاطمه نمونه‌ی یک هیأت دینی غیروابسته است.

در مقابل، هیأت‌هایی قرار می‌گیرند که سازمان و سلسله‌مراتب مشخصی ندارند. اعضای آن به‌نحوی اتفاقی و یا طبیعی در کنار هم قرار می‌گیرند و هیأت را تشکیل می‌دهند. معمولاً وجود برخی خصایل مثل سن و سال بیشتر و یا منزلت اجتماعی متشخص‌تر و یا وضع مالی بهتر سبب می‌شود که برخی افراد در این نوع هیأت نقش مهم‌تری بیابند و مسؤولیت بیشتری در اداره‌ی موقت آن بپذیرند. اما این هیأت‌ها از نظر سازمانی چنان سیال‌اند که ممکن است سال به سال تغییر کاملی در اعضای هیأت روی دهد و افراد کاملاً جدیدی هیأت را تشکیل دهند. تعداد این نوع هیأت‌ها در دهه‌های اخیر بسیار بیشتر شده است و علت اصل آن نیز مهاجرت روزافزون از روستا و شهرهای دور افتاده به کلان‌شهرها است.

در این مورد، منصورلکوریج می‌گوید: “هیأت‌های مذهبی و گروه‌های شهری و شهرنشینان هستند و به خوبی می‌توان آن‌ها را از دسته‌های عزاداری که در ایام سوگواری در روستاها تشکیل می‌شوند متمایز نمود. این هیأت‌ها با نهادهای دیگر شهری از جمله نظام روابط خانوادگی در شهرهای ایران، بازار، روحانیت، و اصناف ارتباط مشخصی دارند و به‌عنوان نوعی

سازمان در نهاد فرهنگ به ایفای نقش می‌پردازند (همان:۵). اما این سخن فقط در مورد هیأت‌هایی که وی مورد مطالعه قرار داده است یعنی هیأت‌های واجد سازمان و سلسله‌مراتب معین صادق است. چنان که پیشتر گفته شد، به‌علت روند شتابان مهاجرت به کلان‌شهرها، بسیاری از هیأت‌های شهری رنگ و بوی هیأت‌های روستایی را به خود گرفته‌اند. تعداد این نوع از هیأت‌ها بسیار بیشتر از هیأت‌های مورد نظر منصورلک‌ورج است.

دسته‌ی سوم نیز شامل هیأت‌هایی می‌شود که برخی اعضای ثابت دارند و دیگر اعضا و یا مشارکت‌کنندگان آن متغیرند. اغلب هیأت‌های صنفی و یا خانوادگی از این نوع‌اند. نوعی سازمان اولیه در آن شکل گرفته است که تا زمانی که صنف، خانواده، یا گروه مورد بحث برقرار باشد اعضای اصلی آن ثابت باقی می‌ماند و در اثر مرگ اعضای اصلی افراد جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند.

معیار دوم، نوع اجرا در فضا است. این معیار نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. فضا تا حد زیادی تعیین‌کننده‌ی شکل عزاداری و تنوع مشارکت‌کنندگان است. از نظر نوع استفاده از فضا در هیأت‌های عزاداری به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. هیأت‌هایی که عمدتاً در فضای بسته برنامه عزاداری خود را اجرا می‌کنند و هیأت‌هایی که در استفاده از فضا سیال‌تر عمل می‌کنند و ضمن تدارک فضایی مشخص به آن محدود نمی‌مانند و مکان‌های عمومی مثل میدان‌گاه‌ها، خیابان‌ها، و کوچه‌ها را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند. هیأت‌هایی که از فضاهای بسته بهره می‌گیرند و به قلمروهای عمومی کشیده نمی‌شوند عمدتاً از نظر نوع مشارکت‌کنندگان تنوع کمتری دارند. رفتارها و روابط تعریف شده‌ای دارند و هنجارهای مشخصی در آن‌ها رعایت می‌شود. اما هیأت‌هایی که از فضاهای بازتری بهره می‌گیرند از نظر نوع مشارکت‌کنندگان متنوع‌ترند، و جماعت تماشاگری نیز دارند. در آن‌ها تنوع رفتاری مشاهده می‌شود و فرهنگ عمومی و غیررسمی در این نوع هیأت‌ها بیشتر مجال بروز می‌یابد. انواع و اقسام روابط در آن مشاهده می‌شود، به‌ویژه روابط میان زنان و مردان با یکدیگر در این هیأت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد و جلوه فروشی و خودنمایی و رقابت میان شرکت‌کنندگان در این جا امکان بروز بیشتری می‌یابد. این دسته از هیأت‌ها بیشتر مستعد کاروانوالی شدن هستند تا هیأت‌هایی که در فضاهایی بسته عزاداری را اجرا می‌کنند. این نوع از هیأت‌ها غیررسمی‌ترین هیأت‌های عزاداری هستند. اغلب هیأت‌های موجود در تهران از نوع دسته آخرینند. آن‌ها باز و سیال عمل می‌کنند. معمولاً دسته‌روی دارند و تعداد آن‌ها روزبه‌روز در حال افزایش و حجم آن‌ها در حال کاهش است.

در مقابل، هیأت‌هایی که از نظر سازمانی پیچیده‌تراند و گرایش به حفظ هر چه دقیق نظم دارند از فضاهای بسته بهره می‌برند. گاهی نیز پرهیز از دسته‌روی و عدم استفاده از فضای باز ناشی از

نوعی خلوص‌گرایی دینی است. به عنوان مثال منصورلک‌کوج در توصیف نوع عزاداری در هیأت فاطمیه (یکی از هیأت‌های بازار تهران) می‌گوید: «کلیه مراسم عزاداری در حسینیه خود هیأت که به همین منظور ساخته شده است برگزار می‌شود. هیأت برای عزاداری خارج از حسینیه نمی‌رود چرا که آن را یک ریا می‌داند و آن را رقابت می‌دانند. اعضای هیأت مدیره بیرون رفتن را دوست ندارند چرا که معتقدند در بیرون از حسینیه عزاداری‌هایی صورت می‌گیرد که با فرهنگ حادثه عاشورا فاصله دارد. هیأت برای عزاداری از طبل، علم، زنجیر، و کتل استفاده نمی‌کند و استفاده از این‌گونه ابزار در گذشته هیأت سابقه ندارد، چرا که بنیان هیأت اعتقادی به استفاده از این ابزار ندارند چرا که آن‌ها را مغایر با فرهنگ عاشورا می‌دانند» (منصورلک‌کوج ۸۲ - ۱۳۸۱: ۱۲۵).

معیار سوم در سنخ‌شناسی هیأت‌های دینی، دوام زمانی آن‌ها است. در واقع، هیأت‌های دینی را از این نظر می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: هیأت دینی موقت، هیأت‌های دینی پایدار. هیأت‌های دینی پایدار برنامه‌های گوناگونی را در طول سال انجام می‌دهند و اغلب چند کارکردی‌اند، در حالی که هیأت‌های خاص فقط برای عزاداری ماه محرم تشکیل می‌شوند و پس از گذشت دهه‌ی محرم تعطیل می‌گردند. روشن است که هیأت‌های دینی پایدار سازمان یافته‌تر و هیأت‌های موقت خودجوش و سیال‌اند.

معیار چهارم، شمول جمعیتی است. منظور ما از شمول یا فراگیری جمعیتی این است که آیا هیأت مورد بحث فقط اختصاص به بخش خاصی از جمعیت با یک ویژگی جمعیتی- فرهنگی مشخص دارد یا نه همه گونه افراد می‌توانند عضو هیأت شوند و یا در مراسم آن شرکت نمایند. تعداد قابل توجهی از هیأت‌ها به جمعیت‌های مشخص اختصاص دارد. این جمعیت‌ها معمولاً در یک ویژگی خاص با هم مشترکند نظیر جنسیت، قومیت، صنف و نهاد و وزارتخانه‌ها، خرده فرهنگ، گروه سنی، و یا حتی ملیت. هیأت‌های زنان؛ جوانان؛ نوجوانان؛ یزدی‌ها؛ آذربایجانی‌ها و غیره‌ی مقیم مرکز؛ هیأت ایرانی‌های مقیم عراق یا عراقی‌های مقیم ایران؛ هیأت‌های اصناف؛ هیأت کارکنان وزارت نیرو از نمونه‌های این نوع هیأت‌های مذهبی‌اند. از تلفیق این چهار معیار جدول زیر حاصل می‌شود که به لحاظ نظری شامل ۲۴ نوع هیأت دینی می‌شود. اما برخی از این انواع نظری هیأت‌های دینی در واقع وجود خارجی ندارند.

چون معمولاً هیأت‌های واجد معیار دوام زمانی / تنوع کارکردی، سلسه مراتب مشخصی دارند ترکیب‌های ساده و پایدار وجود خارجی ندارد. بدین ترتیب ۴ چهار نوع هیأت از این مجموعه خارج می‌شود. همچنین هیأت‌های فاقد دوام زمانی / تنوع کارکردی معمولاً از نظر سازمانی پیچیده نیستند و بیشتر خودجوش‌اند، لاجرم ترکیب‌های خاص و پیچیده نیز باید از این جدول

حذف گردد. و بدین ترتیب ۸ نوع هیأت دینی حذف می‌شود. از سوی دیگر، هیأت‌هایی که از نظر داوم زمانی / تنوع کارکردی، پایدار هستند غالباً سازمان پیچیده‌ای نیز می‌یابند. بدین ترتیب، احتمال کمی دارد ترکیب‌های نسبتاً سازمان یافته و پایدار نیز یافت شود. بدین ترتیب، می‌توان چهار نوع دیگر را نیز کنار گذاشت. از ۱۲ نوع باقی‌مانده به نظر می‌رسد بیشترین تعداد هیأت‌های دینی را در جامعه ما هیأت‌های ساده، موقت، عام، و باز تشکیل می‌دهند و نوع نسبتاً سازمان یافته، موقت، و باز احتمالاً در رده بعدی قرار می‌گیرد.

معمولاً هیأت‌هایی که وابستگی سیاسی دارند از نظر زمانی و کارکردی پایدارند، زیرا نظام سیاسی ترجیح می‌دهد که بر روی هیأت‌های دینی پایا و بادوام سرمایه‌گذاری کند و یا خود چنین هیأت‌هایی را تشکیل دهد تا استفاده بیشتری از فعالیت آن‌ها ببرد. همچنین به نظر می‌رسد تعداد محدودی از هیأت‌های پایدار از نظر زمانی و کارکردی و پیچیده از نظر سازمانی در ایران وجود داشته باشد. متأسفانه اطلاعات دقیقی در این باره موجود نیست. مطالعه‌ی منصورلک‌ورج در حقیقت معطوف به این دسته از هیأت‌های دینی در شهر تهران بوده است. مطالعات تجربی می‌تواند شرایط را برای محک زدن این سنخ شناسی و ارزیابی میزان سودمندی آن فراهم سازد و به تکمیل آن مدد رساند.